

تأثیر آموزش مسیری شغلی بر رشد نقشه شناختی اشتغالات در دانش آموزان مقطع ابتدایی

Effectiveness of Career Counseling on Development of Cognitive Map of Occupations in Elementary School Students

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۴/۲۹

R. Partoeeenia., (M.A.), M. Alizadeh., (Ph.D.),
F. Khodadadi andrieh., (Ph.D Student),, SH.
Yazdani., (M.A) & A. Rasoli., (Ph.D)

Abstract: Since there is no clear vision of career development for students, present research was aimed to examine effectiveness of career counseling on development of cognitive map of occupations in primary school students. The research method was quasi-experimental with pretest-posttest and control group. The sample consisted of 72 students (third, fourth and fifth grade in elementary school) that was chosen by cluster sampling among two schools at random and were assigned into experimental and control groups. The data were collected by cognitive map of career researcher made questionnaire (for elementary school students). ANOVA and ANCOVA were used to analyze data. The results indicated that there was significant difference between mean scores of experimental group before and after training program in cognitive plan of boys and girls.

According to results, it was concluded that cognitive map of occupations can be expanded by counseling career and helped them to choose better jobs at older ages.

Keywords: cognitive map of occupations, career counseling; Gottfredson's theory; elementary school students

رکسانا پرتوی نیا^۱، مرجان علیزاده^۲، فریده خدادادی اندریه^۳،
شهربانو یزدانی^۴ و آراس رسولی^۵

چکیده: از آنجا که چشم انداز روشنی از وضعیت رشد مسیر شغلی دانش آموزان در دست نیست پژوهش حاضر به منظور تأثیر آموزش مسیر شغلی بر رشد نقشه شناختی اشتغالات در دانش آموزان مقطع ابتدایی است. پژوهش حاضر یک پژوهش نیمه تجربی با استفاده از طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل است. نمونه پژوهش شامل ۷۲ دانش آموز (مقطع سوم، چهارم و پنجم ابتدایی) است که به صورت نمونه گیری خوشه ای از دو مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شدند و در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از پرسش نامه نقشه شناختی مسیر شغلی محقق ساخته (ویژه کودکان دبستانی) جمع آوری شد برای تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل واریانس یک راهه و تحلیل کوواریانس (نکوا) استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین میانگین نمرات گروه آزمایش در قبل و بعد از برنامه آموزشی، دارای تفاوت معناداری است، هم چنین بین نقشه شناختی دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. از یافته‌های این پژوهش می توان نتیجه گرفت که از طریق مشاوره مسیر شغلی می توان رشد نقشه شناختی اشتغالات دانش آموزان ابتدایی را گسترش داد و به آن ها برای انتخاب شغل بهتر در سنین بالاتر کمک کرد.

کلیدواژه ها: نقشه شناختی اشتغالات؛ مشاوره مسیر شغلی؛

نظریه گاتفردسون؛ دانش آموزان مقطع ابتدایی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، گروه روانشناسی، اهواز، ایمن

۳. دانشجوی دکتری مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

۴. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۵. دکترای مشاوره، گروه مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

مقدمه

شغل مهم ترین بخش زندگی هر انسان است (رینالدی، مکرمل، فرم، کولستی، پارکنس^۱، ۲۰۰۴) و یکی از مهم ترین عواملی است که به زندگی انسان معنا می بخشد (سالکور^۲، ۲۰۰۰ به نقل از همتی علم دارلو، ۱۳۸۹). از طریق کار و اشتغال هم نیازهای اولیه و هم نیاز های ثانویه انسان (خودشکوفایی، عزت نفس، ...) برآورده می شود. زیرا از طریق مولد بودن و موثر بودن و برقراری ارتباط با همکاران و همسالان، افراد می توانند نیازهای خود را برآورده نمایند (دیویس^۳، ۲۰۰۲، به نقل از شجاعی، ۱۳۸۹).

مفهوم سازی گسترده زندگی شغلی و ارتباط بین فردی، ریشه هایی دارند که در مشاهدات و تجارب دوران کودکی اولیه نهفته شده اند (زونکر^۴، ۲۰۰۶). رشد مسیر شغلی را نمی توان یک اتفاق مقطعی در نظر گرفت بلکه فرایندی در طول زندگی است که شخص از ابتدای کودکی تا نوجوانی و بزرگسالی طی می کند (ساویکاس، ۲۰۰۲؛ هارتونگ، پروفلی و ونداراسک^۵، ۲۰۰۵). نظریه های دوره زندگی جزو نظریه های رشد مسیر شغلی هستند (شارف، ۲۰۰۶) و معتقد به وجود مراحل رشدی از تولد تا مرگ هستند. نظریه محدودیت و سازش گانفردسون مربوط به دوران کودکی است و جزو آن دسته از نظریه های انتخاب شغل است که چشم انداز زیستی - اجتماعی به رشد انتخاب شغل دارد. این نظریه که برخاسته از نظریه آیزنگ و ترکیبی از مفاهیم روان شناسی هوش، روان شناسی تفاوت های فردی و مبانی جامعه شناسی مانند اختلاف طبقاتی، پرستیژ اجتماعی، تفاوت های جنسیتی، نقش های جنسیتی و فضای اجتماعی و معتقد به رشد مسیر انتخاب شغل با مشارکت سرشت و طبیعت است (سمیعی، باغبان، عابدی و حسینیان، ۱۳۹۰).

اصطلاح مهمی در نظریه گانفردسون وجود دارد که این نظریه حول آن می چرخد و آن آرزو های مسیر شغلی^۶ است. منظور از آرزوهای مسیر شغلی، موقعیت یا شرایطی است که فرد دوست دارد در آن جایگاه قرار گیرد (براون و لنت، ۲۰۰۵). شکل گیری آرزوهای شغلی کودکان و نوجوانان در ذهن آنان، طی نقشه شناختی اشتغالات^۷ صورت

1. Rinaldi, Mcneil, Firm Kolesti & Perkins
2. Salkever
3. Dawis
4. Zunker
5. Savickas, Hurtung, Profeli & Vondracek
6. Career aspirations
7. Cognitive Map of Occupations

تاثیر آموزش مسیروشغلی بر رشد نقشه شناختی اشتغالات در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی

صورت می‌گیرد. منظور از نقشه شناختی اشتغالات این است که نوجوانان و بزرگسالان در ذهن خود ابعاد اصلی یک حرفه به خصوص مردانه یا زنانه بودن، سطح پرستیژ و حوزه کاری را تشخیص دهند. این نقشه شناختی سه بعد جنسیت، سطح پرستیژ و حیطة کاری دارد (کری، دنس و برون^۱، ۲۰۰۷). گاتفردسون به عنوان بخشی از تئوری رشد ترجیح و انتخاب مشاغل بیان می‌دارد که اکثر افراد درکی از دنیای مشاغل را براساس نوع جنسیت، منزلت اجتماعی و نوع مشاغل به اشتراک می‌گذارند. افراد از این سه بعد برای سازمان دادن به نحوه نگرش خود نسبت به دنیای کار بهره می‌برند که نتیجه آن نقشه شناختی اشتغالات است. وی این نقشه را رسم کرد و ارتباط میان مشاغل در این سه بعد دنیای کار را نشان داد (آدریان و بیوس، ۲۰۰۷). وی نقش جنسیت و منزلت اجتماعی را با نوع مشاغل مرتبط ساخت تا بتواند کلیشه ای ترسیم شده از مشاغل را ارائه دهد. وی بیان داشت کلیشه های مشاغل شامل تصاویر ذهنی از دنیای مشاغل می‌باشند که توسط افراد به اشتراک گذاشته می‌شوند، (گاتفردسون^۲، ۱۹۹۶، ۱۹۸۱، ۲۰۰۲) به اشتراک گذاری نقشه شناختی سبب بهبود عملکرد افراد گروه می‌شود (اسمیت، ۲۰۰۷). این تصاویر ممکن است تحت عنوان نقشه "نقشه شناختی متداول از مشاغل" قابل تشخیص باشند که با پرستیژ اجتماعی مشاغل و گسترش جنسیت در آن‌ها آمیخته است. علاوه بر آن پرستیژ و نوع جنسیت، مختصات قرار گرفتن در کدام نوع از شغل را مشخص می‌کنند (گاتفردسون، ۱۹۸۱، ۱۹۹۶، ۲۰۰۲). گاتفردسون می‌گوید این نقشه به عنوان راهنما توسط افراد استفاده می‌شود تا مسیر خود را از دنیای مشاغل به سوی مسیری که بیشترین ترجیح را دارد مشخص کنند، به عبارت دیگر افراد خودشان را با استفاده از کلیشه هایی به مشاغل متصل می‌کنند، که عمده ترین آن‌ها ۱- نوع جنسیت ۲- پرستیژ اجتماعی و ۳- خود درونی منحصر به فرد است. اگر شخص شغلی را بیابند که متناسب سه عامل بالا باشد با احتمال بیشتری از کار خود لذت می‌برند و رضایت بیشتری خواهد داشت (آدریان بیوس، ۲۰۰۷).

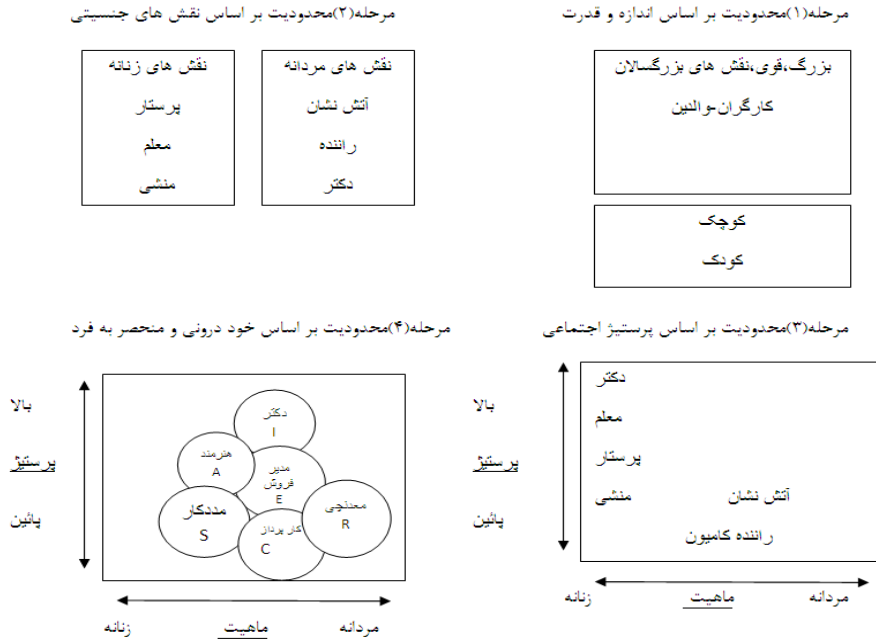
در نظریه آرزوهای مسیروشغلی گاتفردسون، نقش اصلی بچه ها در تصمیم گیری شغلی، محدود سازی آرزوها براساس مضمون خاص هر سن است (هرتینگ و

-
1. Care, Deans & Brown
 2. Gottferdson

آنه، ۲۰۰۰). در این نظریه افراد شغلی را که می خواهند انتخاب نمی کنند، بلکه مشاغلی را که نمی خواهند حذف می کنند تا به شغل مورد نظر دست یابند. رد کردن مشاغل با استفاده از متغیرهایی مانند قدرت و اندازه، کلیشه های جنسیتی، پرستیژ اجتماعی و ویژگی های فردی صورت می پذیرد (شفیع آبادی، ۱۳۸۲). مثلاً، یک دختر جوان هیچ گاه اشتغالات خود را از رانندگی کامیون شروع نمی کند زیرا این شغل را به خاطر مردانه بودن از نقشه شناختی خود خارج نموده است. فرایند محدودسازی آرزوهای شغلی یک فرایند ناآگاهانه است و علاوه بر این نمی داند با افزایش سن خود در حال کم کردن انتخاب هایشان هستند (شارف، ۲۰۰۶).^۱

فرایند محدود سازی طی چهار مرحله صورت می گیرد (گاتفردسون، ۱۹۸۱) مرحله اول: جهت گیری به سمت قدرت (۳ تا ۵ سالگی)، در این دوره کودکان شروع به طبقه بندی کردن مردم به ساده ترین روش ها مانند بزرگ و قدرتمند در برابر کوچک و ضعیف می کنند، مرحله دوم: جهت گیری به سمت نقش های جنسی، در این دوره کودکان تفکر انعطاف ناپذیری دارند و جنس خود را بالاتر از جنس دیگر درک می کنند مرحله سوم: جهت گیری به سمت ارزش های اجتماعی (ارزش گذاری اجتماعی) (۹ تا ۱۳ سالگی)، در این دوره تفکر انتزاعی می شود و افراد می توانند در مورد فعالیت هایی که آن ها را به طور مستقیم نمی بینند فکر کنند. مرحله چهارم: جهت گیری به سمت خود بی همتای درونی (۱۴ سالگی و بالاتر)، در این دوره رشد حرفه ای به صورت آگاهی هوشیارانه به وقوع می پیوندد (لنت و براون، ۲۰۰۵، به نقل از نصر اصفهانی، ۸۷). در مرحله سوم که بین سنین ۹ تا ۱۳ سالگی است (هلویگ، ۲۰۰۱). چون مفهوم پرستیژ اجتماعی مطرح می شود؛ کودکان و نوجوانان مشاغل را از نظر پرستیژ اجتماعی و هم از نظر جنسیت طبقه بندی می کنند. برخی از مشاغل را در طبقه پرستیژ بالا و برخی از آن ها در طبقه پرستیژ پایین قرار می دهند، زمانی کودکان این را مرحله به خوبی پشت سر می گذارند که مشاغلی را که هماهنگ با جنسیتشان نیست را محدود نموده و کنار گذارده باشند (براون و لنت، ۲۰۰۵). چهار مرحله محدودسازی در شکل ۱ نشان داده شده است.

تأثیر آموزش مسیروشغلی بر رشد نقشه شناختی اشتغالات در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی



شکل ۱. مراحل محدودسازی آرزوهای شغلی بر اساس نظریه گاتفردسون (برگرفته از براون و لنت، ۲۰۰۵)

هلویگ (۱۹۹۸/۲۰۰۰) گزارش می‌کند که کودکان به مشاغلی که از لحاظ

- اجتماعی دارای ارزش بیشتر هستند، اهمیت قائلند و از دیدگاه گاتفردسون مبنی بر این
- که برای کودکان ۹ ساله پرستیز مهم‌تر می‌شود حمایت می‌کند. هلویگ (۲۰۰۱) هم
- چنین کودکان را نیز مورد مطالعه قرار داد. مطابق با پیشنهاد گاتفردسون، گزارش می‌کند که پرستیز آرزوهای شغلی کودکان زمام که به سن ۱۳ تا ۱۴ سالگی می‌رسند افزایش می‌یابد. در ارتباط با مسئله جنسیت و پرستیز نتایج پژوهش هندرسون^۱ و همکارانش (۱۹۸۸) به نقل از شارف (۲۰۰۶) حاکی از این است برای سنین ۶-۸ سال و بعد از ۸ سالگی پرستیز بیش از جنسیت دخالت می‌کند. تحقیق تراپس^۲ (۱۹۹۵) به نقل از نصر اصفهانی (۱۳۸۷) بر روی دانش‌آموزان ابتدایی نشان داد که آرزوهای شغلی دانش‌آموزان بیشتر تحت تاثیر مشاغل مادرشان قرار دارد، تحقیق مارینی و شو^۳

1. Handerson
2. Trice
3. Marini & shu

(۱۹۹۸) نشان داد که موفقیت اجتماعی - اقتصادی خانواده تاثیر مثبتی بر پرستیز

آرزوهای شغلی زنان داشته است.

با توجه به این که مشاوره‌ی کودک در زمینه‌ی مسائل مسیر شغلی از یک طرف به ندرت به عنوان یک وظیفه برای مشاوران مورد توجه قرار گرفته است (شارف، ۲۰۰۶). چشم‌انداز روشنی از وضعیت رشد مسیر شغلی دانش‌آموزان در دست نیست. هم‌چنین عوامل مرتبط و پیش‌بینی‌کننده آن نیز شناسایی نشده و در اختیار قرار نگرفته است (لایان، ۲۰۰۳). از طرف دیگر اهمیت وجود مشاوره مسیر شغلی در برنامه‌ریزی اهداف زندگی، انتخاب رشته تحصیلی و انتخاب شغل و هم‌چنین شناخت عوامل مرتبط با شغل است، لذا هدف پژوهش حاضر تاثیر آموزش مسیر شغلی بر رشد نقشه شناختی اشتغالات در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی است. به عبارتی هدف پژوهش حاضر پاسخ دادن به سوالات زیر است:

- ۱- آیا بین نقشه شناختی اشتغالات دانش‌آموزان دختر و پسر (در ابعاد نام بردن تعداد مشاغل، جنسیت و منزلت اجتماعی) قبل از آموزش شغلی تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۲- آیا آموزش مشاوره مسیر شغلی بر رشد نقشه شناختی دانش‌آموزان (در ابعاد نام بردن تعداد مشاغل، جنسیت و منزلت اجتماعی) موثر است؟
- ۳- آیا بین نقشه شناختی اشتغالات دانش‌آموزان دختر و پسر (در ابعاد نام بردن تعداد مشاغل، جنسیت و منزلت اجتماعی) بعد از آموزش شغلی تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش

جامعه، نمونه و روش آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان ۹ تا ۱۱ سال (پایه تحصیلی سوم، چهارم و پنجم ابتدایی) یکی از شهرهای ایران در سال ۹۰-۹۱ است. این مطالعه یک پژوهش نیمه تجربی با استفاده از طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل است. برای انتخاب نمونه آماری شامل ۷۲ دانش‌آموز، از بین مدارس ابتدایی ۲ مدرسه به صورت نمونه گیری خوشه‌ای انتخاب شد و ۳۶ دانش‌آموز (دختر و پسر) به صورت تصادفی و هم‌تاسازی از نظر سن و پایه تحصیلی انتخاب و سپس پرسشنامه نقشه شناختی مسیر شغلی توسط آن‌ها تکمیل گردید. ملاک انتخاب هر دانش‌آموز سن و پایه تحصیلی (پایه تحصیلی سوم، چهارم و پنجم ابتدایی) بود در مرحله آخر ۳۶ دانش‌آموز (دختر و پسر) به صورت هم‌تاسازی شده با گروه آزمایش به لحاظ سن و تحصیلات در گروه کنترل قرار گرفتند. روش اجرای پژوهش بدین صورت بود که بعد از

تاثیر آموزش مسی‌ر شغلی بر رشد نقشه شناختی اشتغالات در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی

اجرای پیش‌آزمون و تعیین گروه‌های آزمایش و کنترل، برنامه آموزشی شغلی طی ۸ جلسه دوساعته به صورت هفتگی و به مدت ۲ ماه در روزه ای تعیین شده بر روی گروه آزمایش اجرا می‌گردید. با توجه به این که پژوهشگران به عنوان مشاور در مدارس مشغول به کار بودند، لذا برگزاری جلسات و آزمون به صورتی بود که هیچ گونه ریزی صورت نگیرد. جلسات به صورت آموزش و توضیح مفاهیم شغلی ارائه مثال عینی و ملموس، کار با گروه‌ها، بازخورد و بالاخره مرور جلسات و ارائه تکالیف صورت می‌گرفت. آموزش‌هایی که در گروه داده شد به ۴ دسته عمده آموزش مشاغل مختلف جامعه، آموزش کلیشه‌های شغلی، آموزش منزلت اجتماعی هر شغل، توجه به اهمیت و ضرورت کار و پیشه در زندگی اجتماعی تقسیم می‌شود. در پایان دروه فرم مصاحبه نقشه شناختی اشتغالات به عنوان پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل اجرا شد و نتایج با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از SPSS نسخه ۱۷ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش

به‌منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه نقشه شناختی مسی‌ر شغلی پرذلان استفاده گردید، این پرسش‌نامه شامل یک سوال اصلی باز پاسخ (هر چقدر شغل در دنیا بلدی را بنویس) و دوسوال زیرمجموعه بود که در آن از دانش‌آموز خواسته می‌شد مشاغلی را که نام برده با توجه به جداول داده شده به مشاغل مردانه و زنانه و مشاغل با پرستیژ و کم پرستیژ تقسیم‌بندی کنند. نمره‌گذاری پرسش‌نامه براساس نام بردن تعداد مشاغل و تقسیم‌بندی آنان در بعد جنسیت و منزلت اجتماعی به صورت صفر و یک بود. که در صورت پاسخ صحیح به هر سوال نمره ۱ داده می‌شد و نمره هر بعد، از مجموعه امتیازات هر دسته‌بندی به دست می‌آمد که از صفر تا صد متغیر بودند. روایی و پایایی پرسش‌نامه در ایران توسط حیدری و باغبان (۱۳۹۲) مطلوب گزارش داده شده است. علاوه بر این روایی این پرسش‌نامه توسط صاحب‌نظران تایید شده است.

یافته‌ها

با توجه به فرضیه‌های مطرح شده تحلیل داده‌های به‌دست آمده از پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی (تحلیل واریانس یک‌راهه، تحلیل کوواریانس) انجام گرفته است. لازم به‌ذکر است که مفروضه‌های نرمال بودن داده‌ها، هم‌خطی بودن و همگنی شیب رگرسیون به‌منظور انجام آزمون کوواریانس رعایت شده‌اند.

رکسانا پرتوی نیا، مرجان علیزاده، فریده خدادادی اندریه، شهریانو یزدانی و آراس رسولی

میانگین و انحراف معیار گروه نمونه در ابعاد نقشه شناختی (جنسیت و پرستیز) و تعداد مشاغل در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات نقشه شناختی دانش آموزان

گروه کنترل				گروه آزمایش					
انحراف معیار پس آزمون	میانگین پس آزمون	انحراف معیار پیش آزمون	میانگین پیش آزمون	انحراف معیار پس آزمون	میانگین پیش آزمون	انحراف معیار پیش آزمون	میانگین پیش آزمون		
۱۱/۳۷	۴۴/۳۸	۱۰/۳۵	۴۲/۸۸	۱۵/۴۸	۶۴	۱۴/۲۰	۳۸/۵۰	تعداد مشاغل	پسران
۷/۳۳	۳۲/۸۳	۷/۷۰	۳۱/۲۷	۱۴/۸۴	۵۸/۵۰	۹/۱۹	۲۹	بعد جنسیت	
۵/۱۸	۲۹/۵۰	۵/۸۵	۲۸/۴۴	۱۰/۸۸	۵۰/۵۰	۷/۶۰	۲۵/۵۰	بعد پرستیز	
۷/۱۳	۳۴/۵۰	۶/۷۲	۳۳/۱۶	۸/۳۴	۴۷/۵۰	۷/۷۴	۲۹/۵۰	تعداد مشاغل	دختران
۸/۸۹	۳۲/۵۰	۵/۸۰	۲۵/۸۸	۷/۲۰	۴۱	۶/۵۲	۱۹	بعد جنسیت	
۵/۲۲	۲۲/۱۱	۴/۹۹	۲۰/۲۸	۷/۹۱	۳۱	۶/۰۶	۲۱	بعد پرستیز	

برای بررسی تفاوت نقشه شناختی اشتغالات گروه آزمایش در پیش آزمون بین دو گروه (دختر و پسر استفاده شد).

جدول ۲. تحلیل واریانس یک راهه (آنوا) برای مقایسه میانگین دو گروه در پیش آزمون

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	Df	مجموع مجزورات		
۰/۰۰۱	۲۰/۱۰	۲۰۵۸/۶۸	۱	۲۰۵۸/۶۸	بین گروهی	تعداد مشاغل
		۱۰۲/۴۱	۷۰	۷۱۶۹/۱۹	درون گروهی	
			۷۱	۹۲۲۷/۸۷	کل	
۰/۰۰۱	۱۶/۴۵	۹۳۱/۶۸	۱	۹۳۱/۶۸	بین گروهی	بعد جنسیت
		۵۶/۶۰	۷۰	۳۹۶۲/۶۳	درون گروهی	
			۷۱	۴۸۹۴/۳۱	کل	
۰/۰۰۱	۱۶/۱۹	۶۴۲/۰۱	۱	۶۴۲/۰۱	بین گروهی	بعد پرستیز
		۳۹/۶۴	۷۰	۲۷۷۵/۳۰	درون گروهی	
			۷۱	۳۴۱۷/۳۱	کل	

تأثیر آموزش مسیرشغلی بر رشد نقشه شناختی اشتغالات در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی

با توجه به جدول فوق می‌توان گفت ب بین دختران و پسران در ابعاد تعداد مشاغل، بعد جنسیت و پرستیژ تفاوت معناداری در سطح خطای کمتر از $0/005$ وجود دارد ($P < /0.5$). پس با توجه به نتایج بالا و میانگین اکتسابی دو گروه در جدول ۱ می‌توان گفت که بین ن قشه شناختی دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد و ای ن که پسران نسبت به دختران از نقشه شناختی اشتغالات گسترده‌تری برخوردارند.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به تأثیر مشاوره مسیر شغلی بر رشد نقشه شناختی اشتغالات کودکان

توان	ضرایب eta	سطح معناداری	میزان F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	شاخص مرباع آماری	نقشه شناختی اشتغالات
۱۰۰	/۸۱۱	۰/۰۰۱	۲۹۶/۳۵	۹۳۳۴/۵۲	۱	۹۳۳۴/۵۲	پیش آزمون	تعداد مشاغل
۱۰۰	/۷۵۸	۰/۰۰۱	۲۱۵/۹۶	۶۸۰۲/۴۸	۱	۶۸۰۲/۴۸	گروه	
				۳۱/۴۹	۶۹	۲۱۷۳/۳۶	خطا	
۱۰۰	/۶۴۹	۰/۰۰۱	۱۲۷/۳۹	۵۷/۹۵	۱	۵۷۵۲/۹۵	پیش آزمون	بعد جنسیت
۱۰۰	/۷۱۴	۰/۰۰۱	۱۷۲/۲۹	۷۷۸۰/۷۶	۱	۷۷۸۰/۷۶	گروه	
				۴۵/۱۶	۶۹	۳۱۱۶/۰۱	خطا	
۱۰۰	/۵۵	۰/۰۰۱	۱۴۰/۱۷	۳۲۸۵/۶۷	۱	۵۴۳۲/۱۵	پیش آزمون	بعد پرستیژ
۱۰۰	/۶۷	۰/۰۰۱	۸۴/۷۸	۵۴۳۲/۱۵	۱	۲۶۷۳/۹۶	گروه	
				۳۸/۷۵	۶۹	۹۰۴۴۹/۰۰	خطا	

داده‌های جدول فوق در ابعاد تعداد مشاغل، بعد جنسیت و پرستیژ تعداد م شاغل نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن نمرات پیش آزمون به عنوان متغیر همپراش (کمکی) مداخله آموزش شغلی منجر به تفاوت معناداری بین گروه آزمایش و کنترل شده است ($P < 0/001$). میزان تأثیر ابعاد تعداد مشاغل، بعد جنسیت و پرستیژ به ترتیب $0/75$ ، $0/71$ و $0/67$ بوده است. هم‌چنین توان آماری 100 درصد است. بنابراین از نتایج جدول فوق نتیجه گرفته می‌شود مداخله آموزش شغلی بر افزایش تعداد مشاغل و گسترش نقشه‌شناختی موثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تاثیر مشاوره مسیر شغلی بر رشد نقشه شناختی اشتغالات کودکان پرداختیم. در ابتدا به بررسی این فرضیه پرداختیم که بین نقشه اشتغالات دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد. یافته‌ها نشان داد بین نقشه شناختی اشتغالات دختران و پسران در سه بعد تعداد مشاغل، بعد پرستیژ و جنسیت قبل از آموزش شغلی تفاوت معناداری وجود دارد و این که پسران نسبت به دختران از نقشه شناختی اشتغالات گسترده‌تری برخوردارند. لذا فرضیه محقق مبنی بر این که بین نقشه شناختی پسران و دختران تفاوت معناداری وجود دارد تایید می‌شود. از جمله دلایلی که می‌توان نتایج فرضیه فوق تبیین کرد تفاوت فرهنگی و کلیشه‌های جنسیتی است، یکی از کلیشه‌های جنسیتی رایج و تقریباً مشترک در بین فرهنگ‌ها حضور بیشتر پسران در اجتماع از همان سنین کودکی است و پسران محیط‌های متفاوت و بیشتری را نسبت به دختران تجربه می‌کنند. هم‌چنین از جمله عوامل دیگر مهم انتظارات از پسران به عنوان سرپرست خانواده و اجرا ی نقش شغلی است که از همان سن کودکی به سمت مسیر شغلی هدایت می‌شوند و نیز پسران از همان دوره‌های گذشته نسبت به دختران پیرو و دنبال‌کننده شغل پدران خود بوده‌اند. هر چند گاتفردسون تفاوتی بین پسران و دختران برای گذراندن مراحل محدودیت و سازش قایل نمی‌شود. ولی پژوهش‌های زیادی نشان می‌دهد که پسران به احتمال زیادی دامنه گسترده‌تری از مشاغل را براساس نقش کاری و نوع جنسیت نسبت به دختران نام می‌برند از جمله دلایل دیگر می‌توانند نقش قشر اجتماعی (علویان، ۱۳۷۳)، خودپنداره (نادری، ۱۳۸۱). فرصت‌های محدودکننده جنسیتی (ویسکانسی و سول، ۱۹۸۰)، به نقل از نصر اصفهانی)، کلیشه‌های جنسیتی و عزت نفس (بارگر و مارگارت، ۱۹۹۴) است. نتایج به دست آمده در مورد تفاوت نقشه شناختی اشتغالات دختر و پسر با پژوهش‌های اگرا و همکاران (۲۰۰۵) و هم‌چنین مک‌ماهون و پاتون (۱۹۹۷)، به نقل از کری و همکاران (۲۰۰۷) حیدری، ۱۳۹۲ هم‌سواست. البته پژوهش‌های هلوینگ (۱۹۹۸) و تریسی و همکاران (۱۹۹۵) نشان می‌دهد که دختران جوان به احتمال زیادی دامنه گسترده‌تری از مشاغل را براساس نقش کاری و نوع جنسیت نسبت به پسران نام می‌برند.

در ادامه به تاثیر مشاوره مسیر شغلی بر رشد نقش شناختی اشتغالات کودکان پرداختیم تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کوواریانس نشان داد که آموزش مشاوره مسیر شغلی توانسته است میانگین نمرات رشد نقشه شناختی اشتغالات سه بعد تعداد

تاثیر آموزش مسیرشغلی بر رشد نقشه شناختی اشتغالات در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی

مشاغل، پرستیژ و جنسیت دانش‌آموزان در گروه آزمایش را به صورت معناداری در مقایسه با گروه کنترل افزایش دهد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموزان به دلیل عدم شناخت شغل‌ها و ماهیت آن‌ها نقشه شناختی کوچکی دارند که با استفاده از جلسات آموزشی یا کلاس‌های درسی می‌توان این نقشه را گسترش داد. این موضوع به دلیل اهمیت انتخاب کار و مسیر شغلی و لزوم توجه به آن در مقاطع پیش‌دبستانی از موضوعات مورد توجه و نیاز به تحقیق و پژوهش بیشتر دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد این بررسی در مقاطع دیگر تحصیلی و با انواع متغیرها از جمله خودپنداره تحصیلی و یا اهمال‌کاری مورد بررسی گردد. این موضوع به دلیل جدید بودن و عدم انجام تحقیقات مشابه در ایران و دیگر کشورها می‌تواند سرآغاز تحقیقات و پژوهش‌های بیشتر گردد - دیگر محدودیت‌های این پژوهش می‌تواند به نمونه آن اشاره کرد که در بین دانش‌آموزان ابتدایی صورت گرفته با انجام این تحقیق در بین گروه‌های دیگر می‌توان تعمیم‌پذیری این پژوهش را قوی‌تر کرد.

منابع

- سمیعی، فاطمه؛ باغبان، ایران؛ عابدی، محمدرضا؛ حسینیان، سیمین. (۱۳۹۰). نظریه‌های مشاوره مسیر شغلی. چاپ اول. انتشارات جهاد دانشگاهی: اصفهان.
- شجاعی، ستاره. (۱۳۸۹). موانع اشتغال افراد با آسیب‌بینایی. نشریه تعلیم و تربیت استثنایی ویژه‌نامه آموزش شغلی و توان‌بخشی حرفه‌ای. شماره ۱۰۶ (۱۲)، صفحه ۳۴.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۸۲). راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل (چاپ سیزدهم). تهران: رشد.
- حیدری، ح؛ باغبان، ایران و (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی مشاوره شغلی بر نقشه شناختی اشتغالات و خودپنداره شغلی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی، قم، دانشگاه پیام‌نور.
- درخشنده، فاطمه. (۱۳۸۷). مقایسه آرزوهای شغلی دانش‌آموزان عادی با دانش‌آموزان دارای اختلال گفتاری دوره دبیرستان شهر اصفهان در س‌ال ۱۳۸۷. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشگاه اصفهان.
- علویان، هادی. (۱۳۷۳). بررسی تاثیر قشر اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی بر پایه برخی از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه تهران.

نادری، خوبی‌السنّا . (۱۳۸۱). بررسی مقایسه بین خودپنداره با تیپ شخصیتی و آرزوهای شغلی دانش‌آموزان دختر و پسر پیش دانشگاهی شهرکرد . پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا.
همتی علمدارلو، قربان . (۱۳۸۹). نگهداری شغلی افراد کم توان ذهنی . نشریه تعلیم و تربیت استثنایی ویژه‌نامه آموزش شغلی و توان‌بخشی حرفه‌ای. شماره ۱۰۶ (۱۲)، صفحه ۱۸.

- Auger, R. W.; Blackhurst, A. E. & Wahl, K. h. (2005). *Occupational aspirations of elementary aged children's career aspirations and expectations*. Professional School Counseling. 8(5), 322-330.
- Brown, S. D. & Lent, R. W. (2005). *Career Development and Counseling*. Putting Theory and Research to Work. Canada: Wiley.
- Beavis, A. (2007). "Evidence in Support of Gottfredson's common cognitive map of occupation". *Australian Journal of Career Development*. 16.138-44.
- Barker, M.; Margaret, A. (1994). *The influences of sex role stereotyping & self esteem on the career aspiration of children*. The university of Alabama.
- Care, E.; Deans, J. & Brown, R. (2007). The realism and sex type of four to five – year-old children's occupational aspirations. *Journal of Early Childhood Research*. 5 (2), 155-168.
- Creed, P. A. Patten, W. Pridaks, L. A. (2007). Predicting Changes Over Time in Career Planning and Occupation for High School Students. *Journal of adolescents*. 30, 377-392.
- Gottfredson, L. S. (1996). *Gottfredson's theory of circumscription and compromise*. In D. Brown & L. Brooks (Eds.), *Career choice and development* (3rd ed., pp. 179-232). San Francisco: Jossey-Bass.
- Gottfredson, L. S. (1981). Circumscription and compromise: A developmental theory of occupational aspirations [Monograph]. *Journal of Counseling Psychology*, 28, 545-579.
- Gottfredson, L. S. (2002). Gottfredson's theory of circumscription, compromise, and selfcreation.
- Helwig, A. A. (1998). *Gender-role stereotyping: testing theory with a longitudinal sample*. Sex Roles. 38 (5/6), 403-423.
- Helwig, A. A. (2001). A test of Gottfredson's theory using a ten-year longitudinal study. *Journal of Career Development*. 28(2), 77-95.
- Herting, W. K. & Anne, B. (2000). Factors affecting the occupational and educational aspirations of children and adolescents. Professional School Counseling. *Journal of vocational Behavior*. 52, 271-274.
- Junk, K. E. & Armstrong, P. I. (2010). Stability of career aspirations: A longitudinal test of Gottfredson's theory. *Journal of Career Development*, 1-20.
- Layan, R. T. (2003). The structured career development interview. All rights reserved.

- Rinaldi, M., Mcneil, K., Firm, M., Kolesti, M., Perkins, R., & Singh, S.P. (2004). *What are the benefits of evidence-based support employment for patients with first-episode Psychosis?* *Psychiatric Bulletin*, 28 281-284.
- Shu, X; Marini, M (1998). *Gender related change in occupational aspirations*. *Sociology of education*. 71(1).Pages43-68.
- Savickas, M. L. (2002). *Career construction: A developmental theory of vocational behavior*. In D, Brown(Ed). *Career choice and Development* (pp.149-205).San Francisco: Jossey-Bass.
- Sharf, R. (2006). *Applying Career Development Theory to Counseling*. (4th ed) Thomson:Brooks/cole.
- Smith,k.(2007). Investigation of Shared Cognition Map. *Journal of Management Studies*. 29.3. pp. 349-368.
- Trice, A. D; Hughes, M.A ;Odom, C. ;Woods, K. & Mcclelland, N.C.(1995). *The origins of children's career aspirations: IV testing hypotheses from four theories*. *The Career Development Quarterly*. 43 (4), 307-315.
- Zunker, V. G. (2006). *Career counseling: A Holistic Approach*. Texas:Thomson.:Brooks/cole